

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۲۴

کبير عبادی

بدخشان؛ گره ژئوپلیتیکی



کبير عبادی

در روزهایی که بار دیگر خبرهایی از ناآرامی در بدخشان به گوش می‌رسد، یک پرسش مهم در ذهن بسیاری شکل گرفته است: آیا این رویدادها صرفاً ریشه در مشکلات داخلی دارد، یا باید آن را در چارچوب رقابت‌های بزرگ ژئوپلیتیکی نیز تحلیل کرد؟

بدخشان تنها یک ولایت دورافتاده افغانستان نیست؛ این منطقه، از طریق دالان واخان، افغانستان را به چین متصل می‌کند و در همسایگی تاجیکستان و پاکستان قرار دارد. همین موقعیت جغرافیایی، آن را به یکی از حساس‌ترین نقاط آسیا تبدیل کرده است.

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که واخان، در صورت تأمین امنیت و ایجاد زیرساخت، می‌تواند به یکی از مسیرهای مهم اتصال چین به افغانستان و سپس ایران و غرب آسیا تبدیل شود. از دیدگاه اقتصادی، چنین مسیری می‌تواند زمان و هزینه حمل‌ونقل کالا را کاهش دهد و افغانستان را از کشوری محصور در خشکی به چهارراه تجارت منطقه‌ای تبدیل کند. از سوی دیگر، ایران نیز با موقعیت ترانزیتی خود می‌تواند حلقه مهمی در اتصال شرق آسیا به خلیج فارس و خاورمیانه باشد. حتی مقام‌های حکومت افغانستان در سال‌های اخیر از ایده اتصال چین به ایران از طریق خاک افغانستان سخن گفته‌اند.

اما یک واقعیت مهم نیز وجود دارد؛ چین همواره امنیت را بر توسعه مقدم دانسته است. تا زمانی که ثبات پایدار در مناطق مرزی، به‌خصوص واخان و بدخشان، تضمین نشود، بعید است پکن سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی این مسیر انجام دهد. بسیاری از تحلیل‌های دانشگاهی نیز بر همین موضوع تأکید دارند که برای چین، امنیت سرحدات سین‌کیانگ اولویت نخست است و توسعه اقتصادی در مرحله بعد قرار می‌گیرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالېږلو مخکې په څير و لولئ

بنابر این، آیا می‌توان با قطعیت گفت که ناآرامی‌های بدخشان نتیجه یک توطئه خارجی برای جلوگیری از شکل‌گیری این کریدور است؟ پاسخ علمی و منصفانه این است که تاکنون هیچ سند قطعی و قابل اتکایی برای اثبات چنین ادعایی منتشر نشده است. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که هر منطقه‌ای با چنین اهمیت ژئوپلیتیکی، همواره در کانون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار دارد و هرگونه بی‌ثباتی در آن، به سود یا زیان بازیگران مختلف تمام می‌شود.

افغانستان زمانی می‌تواند از این رقابت‌ها به سود خود استفاده کند که به‌جای میدان رقابت قدرت‌ها، به پل همکاری میان شرق، غرب، شمال و جنوب تبدیل شود. بدخشان و واکان می‌توانند نماد این فرصت باشند؛ البته اگر امنیت، ثبات و مدیریت ملی بر منافع کوتاه‌مدت غلبه کند.

نظر شما چیست؟ آیا بدخشان صرفاً با چالش‌های داخلی روبه‌رو است، یا رقابت‌های ژئوپلیتیکی نیز در تحولات این منطقه نقش دارند؟